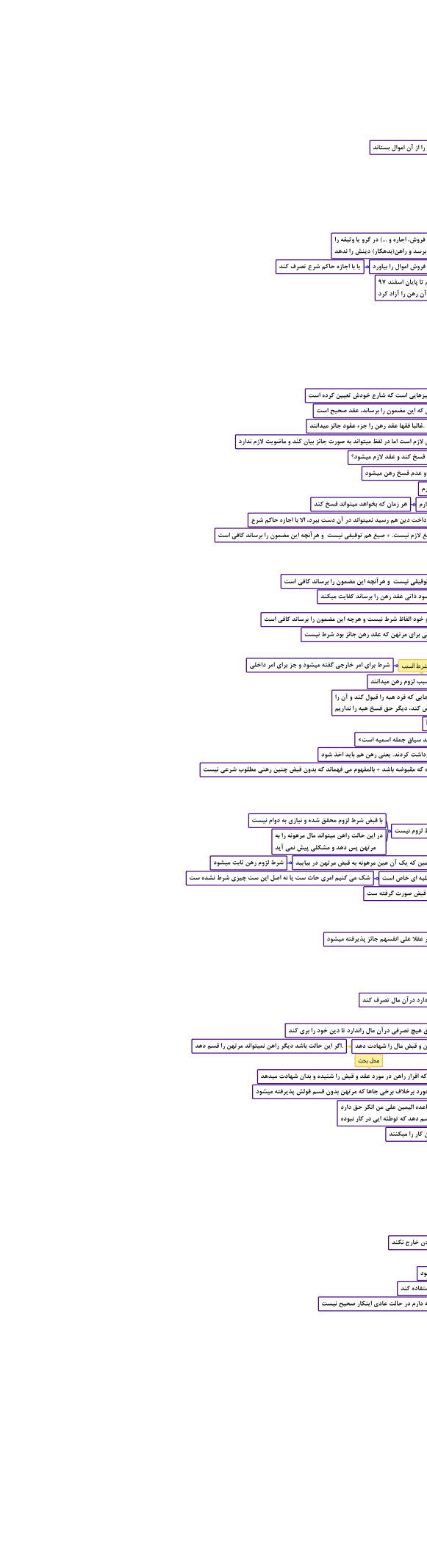
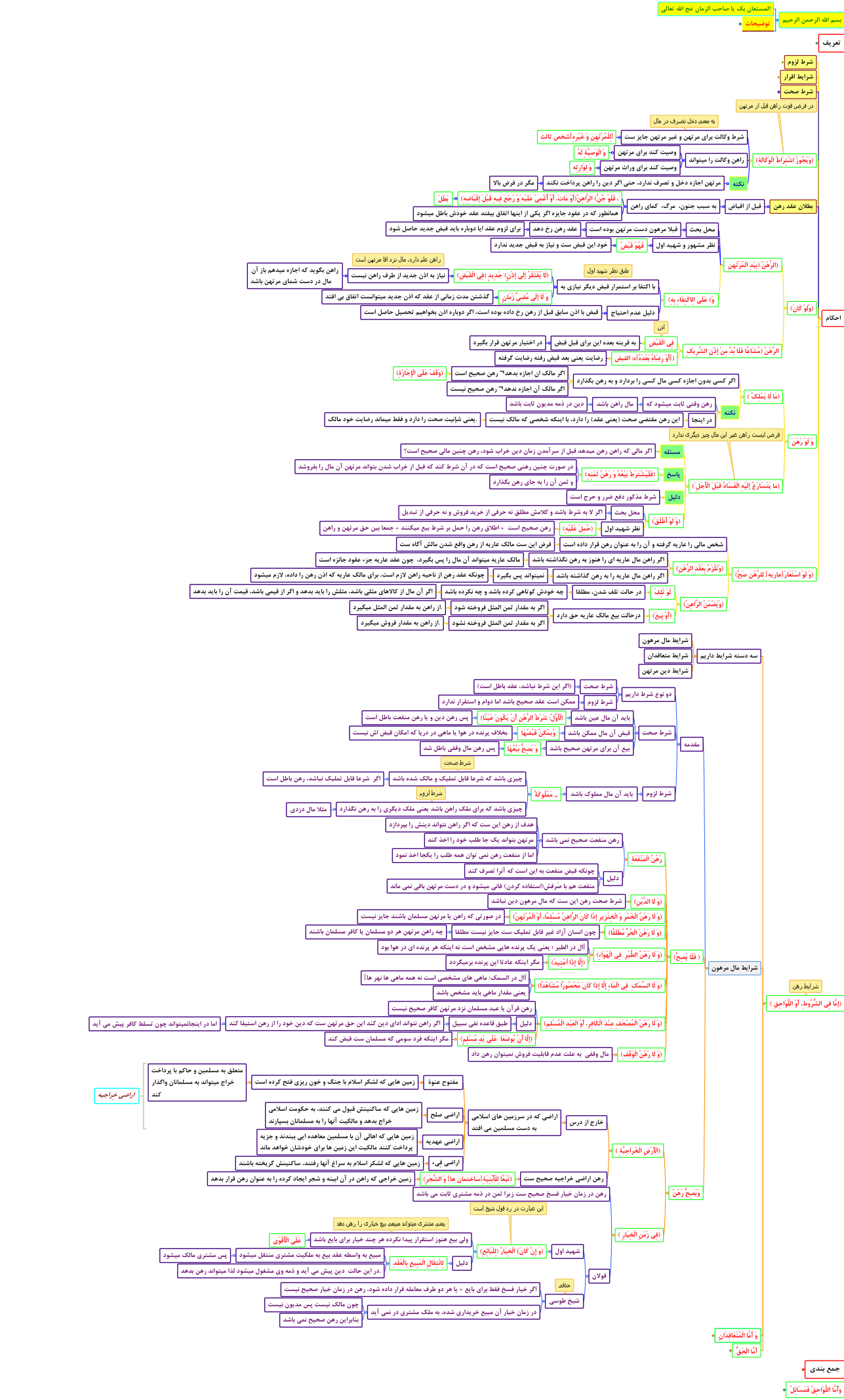


کتاب الزهراء

استیعاب یک یا صاحب الزمان عجل الله تعالی
توضیحات متن شهید اول و ثانی از جزوه استاد بزرگوار "راد حسینی" استخراج شده که اثر برادر عزیزم محمد علی هراتی است
با تشکر از برادر عزیزم محسن پیرایی که نسخه نموداری قابل تغییر لغیر راه در سایت طلبگی با اجتهاد قرار داده
اگر در این اثر از حجت محتوی ایراد وارد باشد به حلیر برمیگرد
این اثر برای استفاده آموزشی می باشد و هرگونه استفاده مالی از آن شرعا مجاز نمی باشد
توضیحات
تجارت شهیدین یا رنگ مجازاً مستحقاً در نمودار آمده است
و بخور تفسیر شهید ثانی
ملازم بر متن شرح تقریباً تمام توضیحات شهید ثانی به صورت فارسی در نمودار موجود است
توابع این اثر را هدیه میکنم به روح مطهر ملازم سادات صدیقه کبری سلام الله علیها به برکت ۵ صلوات محمدی بسپند**همان گروه گذاری است** - پدشکار از اموال خود چیزی را نزد طلبکار میگذارد تا اگر پدشکار بدهی خود را نداد طلبکار بتواند طلب خود را از آن اموال بستاند
راگرو گذار: راهن ایدهاکر
از گان باب راهن
پدیزنده گرو: برترهین
مال گرو گذاشته شده: مرهون یا عین مرهونه
عقد قرض متفاوت با عقد رهن است - هر کدام صبیح خاص خود را دارند
رهن همیشه ذیل دین مطرح میشود حال دین میتواند قرض یا بیع نسبیه ای باشد
چشمی مرهون به نفع حق تصرف اتمل فروش: اجاره و... در گرو یا وثیقه را
نقارذ حتی اگر سر رسید دین اشی مرهون (راهن ایدهاکر) دینش را ندهد
وظیفه مرهون
حفظ و نگاه داری از آن مال (رهن) است
مگر مرهون در هنگام عقد شرط واکالت فروش اموال را بیابود - یا با اجازه حاکم شرع تصرف کند
گرو وقتی آزاد میشود که دین پرداخت شود. لذا نمیتوان همین طوری برای رهن زمان فراد (ملا بگویم تا پایان اسفند ۹۷ رهن باشد). مگر اینکه برای دین زمان فراد دهیم و آن دین هم تا آن زمان فراد دهیم و آن وقت میتوان آن رهن را آزاد کرد
تسهیل اول در عبارت خود به آن مال مرهون اطلاق وثیقه نموده است و وثیقه به معنا مؤنثی است (عقل) تسهل به معنا معول
تذکر
نه در وثیقه برای تألیف نیست بلکه برای انتقال از معنی و صبی به معنی اسمی است (لا تعلقه نقل صبیح به معنا مبدیوخا). لذا اشکالی برای مطابقت بین مبتدا و ضمیر از حیث رعایت کردن تذکر و تألیف پیش نمی آید
شرط صحت - (اگر این شرط نباشد، عقد باطل است)
ممكن است عقد صحیح باشد اما دوام و استقرار ندارد
شرط لزوم
شرط دارم
مکنه - دو نوع شرط دارم
مقدمه
اگر عقود لازمه باشند، صیغه ها توفیقی است یعنی منحصر در چیزهایی است که شارع خودش تعیین کرده است
اما اگر عقود جائز باشند، صیغه ها توفیقی نیست، بلکه هر فعلی که این مضمون را برساند، عقد صحیح است
رهن از طرف راهن لازم و از طرف مرهون جائز است - غالباً فقها عقد رهن را جزء عقود جائز میدانند
شهید ثانی با استناد به قول مصنف در دروس - عقد برای راهن لازم است اما در لفظ میتواند به صورت جائز بیان کند و ماصومت لازم ندارد
ایا به صرف عقد (ایجاب و قبول)، راهن دیگر میتواند عقد رهن را تسخیر کند و عقد لازم میشود؟
چون عقد از سمت راهن لزومی است - عقد - قیاس باعت لزوم و عدم تسخیر رهن میشود
راهن - تسخیر این وثیقه را پیش مرهون بگذارم
مرهون - تسخیر این وثیقه را خود خود دارم - هر زمان که بخواهد میتواند تسخیر کند
صرفاً نگاه داری از آن وثیقه است، حتی اگر موعود پرداخت دین هم رسید نمیتواند در آن دست برد، الا با اجازه حاکم شرع
گزار مرهون - در اینجا چون عقد رهن جائز است، لذا ماصومت صبیح لازم نیست - صبیح هم توفیقی نیست و هراچه این مضمون را برساند کافی است
اشاره ای که مفید و شیرین به رهن باشد نه هر اشاره ای در صورتی که عاقد زادی نباشد
نوشتن به همراه اشاره - آنچه که دلالت میکند بر قصد عقد رهن
در اینجا چون عقد رهن جائز است، لذا ماصومت صبیح لازم نیست - صبیح هم توفیقی نیست و هراچه این مضمون را برساند کافی است
معمود اسمی از عقد رهن الفا مرهون است تا ضرر نبیند - لذا صیغه ای که مقصود ذاتی عقد رهن را برساند کافی میکند
اشاره به قول شهید اول در دروس
ماصومت اطلاق و خود اطلاق شرط نیست و هراچه این مضمون را برساند کافی است
اگر شارع در سمت راهن که عقد رهن برایش لازم بود، شارع سخت نگرفت
یعنی اگر فعلی شرط لزوم نباشد، راهن میتواند زیر عقد رهن بزند و بگوید مال من را پس بده
بفرض شرط لزوم رهن است؟
فقیه شرط لزوم رهن است؟
دلایل
روایت - من ای جفوع قال: لا رهن الا بقرصه
آیه - فَرِهَانَ مَرْهُونًا
فرهانی مقبوضه - هر چند سیاق جمله تسبیح است
اما اتفاقاً از آن برداشت کردند، یعنی رهن هم باید اخذ شود
طریق استدلال - خدا امر به رهنی کرده که مقبوضه باشد - بالمعنی می فهماند که بدون قبض چنین رهنی مطلوب شرعی نیست
دلایل
در واقع شرط لزوم محقق شده و نیازی به دوام نیست
در این حالت راهن میتواند مال مرهونه را به مرهون پس دهد و مشکلی پیش نمی آید
بعد از انعقاد عقد رهن - همین که یک آن عین مرهونه به قبض مرهون می آید - شرط لزوم رهن ثابت میشود
اصل عدم اشتراط از اصول عملیه ای خاص است - شک می کنید امری در حالتی است یا به اصل این است چیزی شرط نشده است
اگر مرهون برهون را به رهن برگرداند - قضی صورت گرفته است
سوال - اگر راهن فرار کند که وثیقه را به قبض مرهون داده او، پذیرفته میشود
جواب - پذیرفته میشود اگر راهن به اینکه مال مرهون را به قبض مرهون داده ام
دلایل - چون با قبض تسلط بر مال از بین میرود، لذا عدم تسلط مال بر علیه (راهن) است - و لذا از باب اقرار علی الفسهم جائز پذیرفته میشود
«رَأَى أَنْ تَعْلَمَ كَيْفَهُ» - مگر اینکه علم به کذب ادعا داشته باشم
شرایط اقرار
راهن بگوید
غرض اصلی
واقعاً قبضی رخ داده است - ورنه کلاماً و واقعاً لازم شده است
غرض اصلی
قبض در واقع رخ داده، رهن لازم شده، پس راهن حق هیچ تمیزی در آن مال ندارد تا دین خود را بری کند
در صورت اختلاف
شرط شهادت ادعای راهن - شهادت ۲ شاهد - به دو صورت
شاهد شهادت دهد که اقرار راهن در مورد عقد و قبض را شنیده و مدان شهادت میدهد
یعنی به ادعای او اعمتا میشود - مرهون باید حتماً تقسیم بخورد برخلاف چیزی جاها که مرهون بدون قبض پذیرفته میشود
ادعا راهن شنیده میشود (علی رغم اینکه راهن طبق قاعده الیمن علی من انکر حق دارد)
ادعای راهن مکتوب اقرار او شایسته است
مرهون را قسم دهد که توطئه ای در کار نبوده
دلایل - الجزای المأذنه بذكر الموطأ - عاقدان در عرف این کار را میکنند
فلهذا: الزمان ایشاف المرهون - راهن، مرهون را قسم میدهد
دوام بحث برآه رهن خندد مشخص کند
نمیشود مدت برای عقد رهن تعیین کرد - چون رهن بند به دین است
براساس صیغه شهید ثانی - لو شرطه لمرهون بطل العقد فهمیدیم که بشرط دوام الزمان، شرط صحت است
و بشرط دوام الزمان
و بخور تفسیر اطلاق الاذن
الاذن علی التمسك اجل
هی التصرف
مجاز است که مرهون به راهن اند تصرف هدیه البته به شرطی که تصرفاتی که کلا این رهن را از رهن بودن خارج نکند
مکنه - یا اینکه مرهون خودش حق تصرف در آن وثیقه را ندارد اما میتواند آن تصرف بر رهن بدهد
شهید ثانی
فینسب الی المرهون علیه (رهن) این جین القبول و القبول
مسئله یعنی
میتواند این مال را نزد خود نگاه دارد در حالت عادی امگار صحیح نیست
در تصرف تسلط هست اما در هر تسلطی تصرف نیست
مکنه
گیری کلی باب رهن تسلط است، یعنی مرهون نمیتواند آن وثیقه را مالک شود
اذن حاکم
پس نمیتواند بفرودد مگر اذن راهن
شرط ضمن عقد جهت واکالت فروش مال از طرف راهن
اگر برای تصرف مرهون مدتی را مشخص کنند، باید میزان آن را مشخص کنند
ملا بگویم هنگام درو گندم - بلکه هر سه ماه بکار
اما اگر مدت را برای خود رهن مشخص کنند، رهن باطل است
بشرط صحت
در صورت اشتراط الوکاله
مطلوب عقد رهن
ولو کان
ولو زامن
ولو استعرازا (عبارت الزمان صبیح)
بما فی الشرطه، او الموقوف
جمع بندی
والموقوف فمستقل





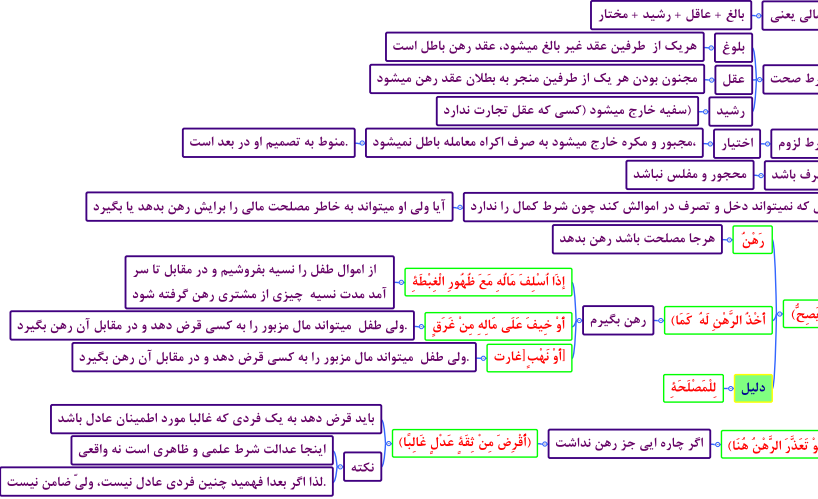
- تعریف
- احکام

کتاب الرهن

شرایط رهن
(أما في الشُّرُوطِ، أَوْ لِلرَّاهِنِ)

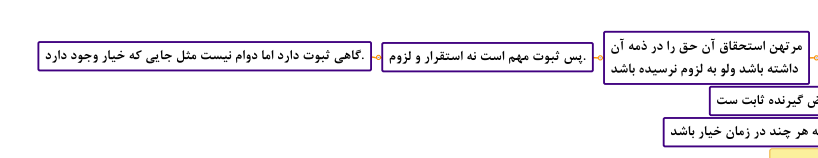
- سه دسته شرایط داریم
 - شرایط مال مرهون
 - شرایط متعاقدان
 - شرایط دین مرهون

شرایط مال مرهون

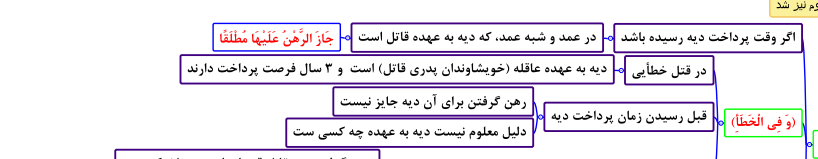


شرایط رهن

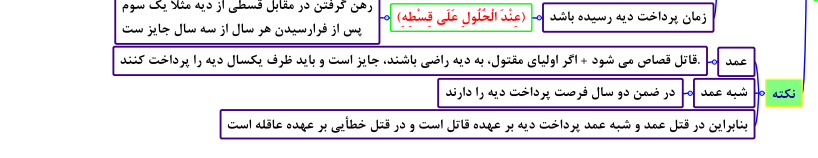
فیشترطُ ثبوتُهُ فی الدَّيْنِ



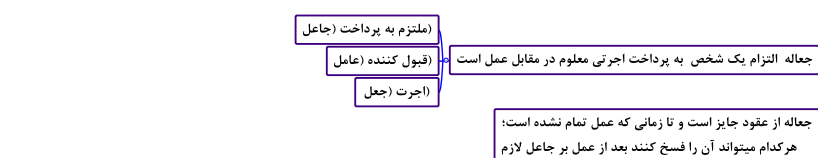
أما الحق



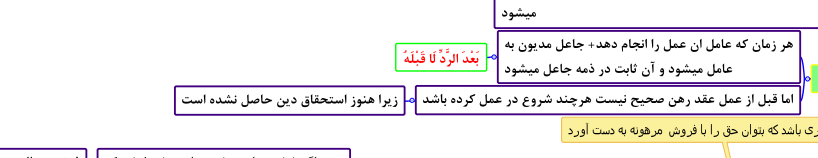
ک



فلا يصح الرهن على منفعه المؤجر عينه مدة معينة



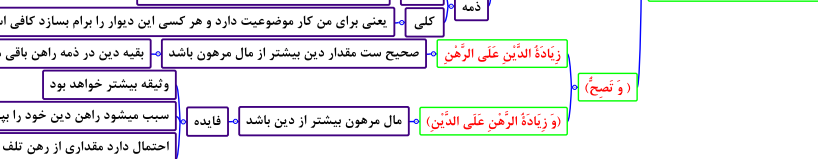
فلا يصح الرهن على منفعه المؤجر عينه مدة معينة



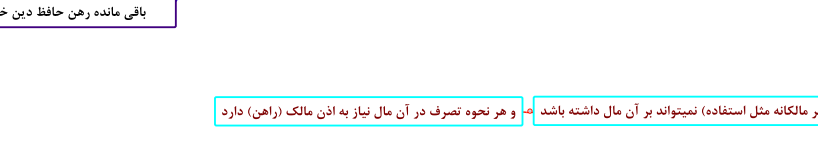
فلا يصح الرهن على منفعه المؤجر عينه مدة معينة



فلا يصح الرهن على منفعه المؤجر عينه مدة معينة



جمع بندی



- تعريف
- احكام
- باب في الكفر، أو الفاسق
- جمع بندي

كتاب الرهن

